

در برلین دموکراتیک

بمناسبت صد و پنجاهمین زاد روز مارکس

مضمونی ایراد کرد. وی در ضمن سخنان خود گفت که یکی از مهمترین اقدامات تاریخی مارکس آنست که سوسیالیسم علمی را با جنبش کارگری پیوند داد و نشان داده است که طبقه کارگر، آن طبقه مترقی است که میتواند به آرمانهای سوسیالیسم علمی جامه عمل بپوشاند. وی گفت: «مارکس از آنجهت که نه تنها عالم بلکه انقلابی بزرگک دنیا را در صحنه ۵

جهان دائر بود. در این جلسه نمایندگان بیش از پنجاه کشور جهان از احزاب کمونیستی و دموکراتیک و از آنجمله هیئت نمایندگان حزب ما (رفقا ایرج اسکندری عضو بوروی کمیته مرکزی و احسان طبری) شرکت داشتند. رفیق والتر اولبریش دبیر اول حزب متحده سوسیالیست آلمان تحت عنوان «اهمیت و نیروی حیاتی آموزش مارکس برای زمان ما» گزارش عمیق و پر

از روز ۵ شنبه دوم تا روز شنبه چهارم ماهه ۱۹۶۸ در تالار زیبا و پر شکوه کنگره ها در برلین دمو - کراتیک اجلاس علمی بین - المللی بمنظور برگزاری صد و پنجاهمین زادروز کارل مارکس پیشوای داهی رنجبران

ماهینامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

نامه زیرین را بوروی کمیته مرکزی برای کلیه شرکت کنندگان کنفرانس حقوق بشر در ایران و سازمانها و مطبوعات دموکراتیک جهان ارسال داشته و در این مطبوعات انعکاس یافته است و از آنجمله روزنامه «تومانیه» در تاریخ ۲ مه ۱۹۶۵ تحت عنوان «فشار در ایران» ۵۰ حکم اعدام برای محکومیت های سیاسی در عرض چهار سال، مضمون نامه را با اندکی تلخیص چاپ کرده است.

ابتدائی ترین حقوق انسان با خشونت نقض گردیده و در آن نه فقط اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر تماماً بسخره گرفته شده بلکه حتی آزادیهای اساسی مصرحه در قانون اساسی ایران آشکارا پایمال گردیده است. گرچه رژیم پلیسی موجود در کشور و پیگردهای آن علیه میهن پرستان و دموکرات های ایرانی، از هر گرایش نظری، امری است کاملاً معلوم، معدک بنظر ما مفیداست نظر شما را بر برخی تجاوزات علنی به اصول اعلامیه جهانی که ظاهراً کنفرانس دفاع از آنها و تحقق آنها را هدف خود قرار داده است، جلب نمائیم.

مواد هجدهم و نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل اساسی آزادی عقیده و حق هر فرد انسانی را با استفاده بدون تبعیض از آن اعلام داشته است.

ولی این حق نه فقط بیانه قانون مورخ ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) دایر به منع عضویت، تشکیل یا رهبری جمعی با مرام و رویه اشتراکی (کمونیستی) از اعضاء حزب ماسلب گردیده بلکه از هر فردی که با سیاست دولت چه در زمینه مسائل خارجی و چه داخلی بنحوی مخالف باشد، سلب شده است. سازمانی بنام امنیت دولتی (ساواک) و دنباله در صفحه ۳

آقای رئیس، آقایان نمایندگان! ما بعنوان ایرانی از این واقعه خوشوقتم که کنفرانس بین المللی حقوق بشر در تهران، پایتخت کشوری پرگزار میشود که فرهنگ چند هزار ساله آن در تکامل اندیشه و پیشرفت بشر تأثیر بسزایی داشته است.

در عین حال متناقض بنظر میرسد که تصمیم به برگزاری کنفرانس حقوق بشر در کشوری اتخاذ شده است که اکنون در آن



خسرو روزبه قهرمان ملی ایران

روزبه بخاطر غرض فداکاری نمیکرد، برای آن فداکاری میکرد که به صحت راه خویش ایمان داشت. لذا محیط فرومایه، سستی دنباله در صفحه ۲

یادی از یک شهادت

اینک ده سال از شهادت خسرو روزبه که در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ بدست درخیمان شاه تیرباران شد میگردد و این ده سال سالهای رشد پرتوان معنوی او در افکار عمومی مردم ایران و جهان بود. طی این دهسال روزبه از مبارزی که تنها در محافل محدودی شناخته شده بود به قهرمانی که دیگر با شخصیتش سراپای جامعه ما و ملل مختلف جهان آشنا شده اند مبدل گردید. این زندگی جاندار و پر خون پس از مرگ فقط برای کسانی میسر است که در راه حق و با دفاع شایسته و دلاورانه از حق به پذیره مرگ مشتابند.

زندگی و مرگ روزبه سراپا دارای هماهنگی شگرفی است. از همان آغاز جوانی روزبه برای نبرد بی پروا، بی امان و پیگیر با زشتیها و پلیدیهای اجتماعی ساخته شده بود. وی در این راه نوسان و تزلزل و سستی نداشت. با گامهای استوار یک مجاهد، یک سرباز بسوی هدف خود سیر کرد. همه جا چشمانش باز بود. دلاوریهای او در دوران حیات کوتاه، قهرمانیش در آستانه مرگ هیچکدام تصادفی نیست. همه آنها از گوهر یک روان سرسخت و مصمم تراویده است. این روان مانند بلوری یکدست، بی کدورت بود که در زیر پرتو آفتاب حقیقت و عدالت توده های زحمتکش با تالاول خیره کننده ای درخشید.

اعلامیه جلسه کمیسیون مأمور تدارک

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری

حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست شیلی، حزب مترقی توده کارگران قبرس، حزب توده پیشاهنگ کوستاریکا، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست افریقای جنوبی، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست یونان، حزب کارگواتالا، حزب کمونیست هندوراس، دنباله در صفحه ۵

از ۲۴ تا ۲۸ آوریل سال جاری کمیسیون مأمور تدارک کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری نخستین اجلاس خود را در بوداپست با شرکت ۵۴ حزب زیر برگزار کرد: حزب کمونیست امریکا، حزب کمونیست آرژانتین، حزب کمونیست اتریش،

چگونه سازمانی است؟

سازمان دانشجویان نباید مبارزه سیاسی بکند و فقط باید بمبارزه صنفی اکتفا نماید، بلکه بدانمعنی است که سازمان دانشجویان متعلق به صنف دانشجویان است و باید قبل از هر چیز مدافع حقوق و منافع صنفی و سیاسی معین این صنف باشد. در همانحال اگر سازمان دانشجویان میتواند مدافع تمام حقوق و منافع صنفی دانشجویان باشد میتواند همه خواست های سیاسی دانشجویان را بر آورده سازد. درست بهمین دلیل است که دانشجویان علاوه بر عضویت در سازمان صنفی خود به عضویت سازمانها و احزاب سیاسی نیز درمیآیند. دنباله در صفحه ۲

سازمان دانشجویان

ماهیت سازمان دانشجویان

دانشجو از نظر طبقاتی یک قشر اجتماعی را تشکیل میدهد، چون از طبقات گوناگونی برمیخیزد و بنا بر این نمیتواند طبقه واحد و معینی باشد. دانشجویان بلحاظ مشغله ای که دارد صنف معینی از اصناف گوناگون جامعه است.

بدینسان سازمان دانشجویان، یعنی سازمانی که در برگیرنده دانشجویان - صرف نظر از وابستگی طبقاتی و عقاید سیاسی آنهاست - ماهیتاً نه یک سازمان طبقاتی است و نه یک سازمان سیاسی. سازمان دانشجویان از نظر ماهیت یک سازمان صنفی است. این بهیچوجه بدان معنی نیست که

در کنگره هفتم فدراسیون اتحادیه های آزاد آلمان

کنفدراسیون، بیانات اعضای کنگره و همچنین ترکیب کنگره که نزدیک به نیم اعضای آنرا زنان تشکیل میدادند نشان میداد که زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان از تمام حقوق سندیکائی مندرجه در قانون اساسی جدید برخوردارند و با شور و شوق وظائفي را که بعهده اتحادیه هاست آگاهانه انجام میدهند. کنگره در شرایطی برگزار شد که مردم جمهوری دموکراتیک آلمان در همه زمینه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی دنباله در صفحه ۵

کنگره هفتم کنفدراسیون اتحادیه های آزاد آلمان از ششم تا دهم ماه مه در برلین برگزار شد. در این کنگره قریب به دو هزار تن نماینده منتخب ۶٫۸ میلیون نفر زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان ۵۴ تن بعنوان مهمان، هیئتهای نمایندگي چهار سازمان سندیکائی بین المللی و نمایندگان سازمانهای سندیکائی ۵۳ کشور از آنجمله ایران شرکت داشتند. گزارش مشروح رفیق وارنکه صدر

شعری از زندان جنوب

بدرود در زندان



دزدان بیزجان از راست بچپ: رفقا بدرالدین مدنی، صفر قهرمانی، حمید قام نریمان، محمد علی پیدا، پرویز حکمت جو، عزیز یوسفی.

خانواده های زندانیان جنوب، پس از طی سفری دور و دراز از تهران تا زاهدان، برازجان، بندر عباس و نقاط دیگر و توقیف کوتاه در شهر کرمان زده و دیداری پر تب و تاب با عزیزان زندانی خویش با دیدگان

اشکبار باز میگرددند. آنها بناچار خویشان دلیند خود را در عزلت زندان جنوب رها میکنند و خود به تهران مراجعت میکنند. در شعر زیرین که یک زندانی بنام (م. س. م.) نگاشته، همین حادثه غم انگیز توصیف شده است.

در آن آغاز شب
چون خواهران و همسران و آشنایان
جاده را آشفته و تب دار پیمودند.
هنوز از رنج راه خود نیاسودند
پس از دیدار کوتاه عزیزان
باز می‌گشتند.

تمام همسران و خواهران گریان
سراسر دیدگان پر اشک
گره بر ابروان و پشتشان خم از غم و ماتم
ولیکن دل بدون لرزش و محکم
و جانهاشان شکیب آموز

آنگاه

دنباله از صفحه ۱

یادی از یک شهادت

و کژییمانی یاران و همزمان، فشار خشن دشمن... هیچکدام او را دلسرد نکرد. او هرگز نگفت: «برای که فداکاری کنم؟»، «دیگران که چنان بودند پس من چرا چنین باشم؟». روزبه با احساس رسالت و وظیفه‌ای عمیق در ژرفای روان خود، براه ایثار رفت. او میدانست که در این بازی دشوار جان خود را خواهد باخت ولی او میدانست که این باخت در حکم برد بزرگی برای حزب او، یاران او و شخصیت انقلابی اوست.

روزبه ادامه دهنده راه خونین و مقدسی است که در سراسر تاریخ دیرینه کشور ما کشیده شده است. او فرزند خلف خاندان جلیلی است که از مزدکها و بابکها آغاز و به صور اسرافیلها، ملک المتکلمینها، حیدر عمو اغلیها و ارانیها میرسد. فلسفه این افراد در زندگی چنین است: بالا ترین حد انسانیت آنست که برای انسانی شدن جامعه اگر لازم شد وجود انسانی خود را

فدا کنیم. ولی ارانیها و روزبهها که قهرمانان دوران ما هستند میدانستند که ایثار انقلابی با ماجراجویی و با تکروری تفاوت عمیق دارد. ایثار انقلابی در عصر ما با آرمان، با حزب طبقه کارگر، با جنبش دموکراتیک و ملی، با مردم پیوند دارد. ایثار انقلابی در عصر ما تابع ضرورتهای مشخص تکامل نهضت انقلابی است. آنها براه یک چنین ایثاری رفتند لذا عمل آنها در نفی وجود خود بخاطر اثبات و تثبیت یک نهضت مترقی بود. از شهادت ارانی نهضت توده ای زائیده شد و از شهادت خسرو، بالا رفتن تدریجی حد مقاومت پس از یک سقوط سنگین.

زندگی روزبه که حزب مابحق وی را قهرمان ملی ایران نامیده است میتواند برای نسل بالنده، برای همه جوانان، برای همه مجاهدان سرمشق باشد. عشق به مردم، احترام به علم، تلاش شبان روزان برای خدمت به جامعه، اراده بی ترلزل در پیکار، ایمان بولادین به آرمان، شفقت و محبت به یاران و مبارزان، عاطفه و وفاداری تا آخر همه

دنباله از صفحه ۱

سازمان دانشجویان

خصلت سازمان دانشجویان

سازمان دانشجویان از نظر خصلت یک سازمان توده ای است. خصلت توده ای سازمان دانشجویان مؤید این نکته است که در تئوری هر دانشجویی حق و امکان آنرا دارد که بصورت سازمان دانشجویان درآید و در عمل سازمان دانشجویان باید چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد و بچنان فعالیت دست بزند که آنرا قادر به شکل و جاب اکثریت هر چه وسیعتری از دانشجویان بنماید. و از آنجا که دانشجویان دارای وابستگی های طبقاتی گوناگون و عقاید سیاسی مختلف و گاه متضاد هستند، چنین سیاست و روشی میتواند فقط حد مشترک خواست اکثریت مطلق دانشجویان باشد. خصلت ملی (ضدامپریالیستی) و دمکراتیک ذاتی هر سازمان دانشجویی نیست، یعنی هر سازمان دانشجویی بصرف اینکه سازمان دانشجویی است ملی و دمکراتیک محسوب نمیشود. تجربه نشان داده است که بغل گوناگون ممکن است سیاست و روش ارتجاعی در سازمان دانشجویان غلبه کند. بنا بر این برای ایجاد یک سازمان دانشجویی با خصلت ملی و دمکراتیک و همچنین حفظ و بسط و تعمیق این خصلت باید بطور مداوم و پیگیر مبارزه کرد.

ملاک ملی و دمکراتیک بودن سازمان دانشجویان هم اینست که سازمان فقط در حرف بلکه بویژه در عمل و بر طبق شرایط مشخص مبارزه اولاً در راه خواستهای صنفی و سیاسی مشترک بین اکثریت مطلق دانشجویان و ثانیاً در راه هدفهای عمومی ملی و دموکراتیک مردم بیکار کند. فقط در اینصورت است که نهضت دانشجویی و سازمان دانشجویان میتوانند جزئی از نهضت عمومی ملی و دموکراتیک جامعه مفروض باشند.

مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی

دانشجو دارای خصلت دوگانه است:

کسانی که در خورد آند — چنین است شمه ای از صفات روزبه، انصاف بهر یک از این خصلتها در عمل بسیار دشوار است و کسانی که مجموعه ای از این صفات را با خود دارند، افرادی سخت نادر و سزاوار احترام و تجلیل اند.

دشمن طبقاتی، رژیم شاه بسیار میکوشد از عظمت شخصیت روزبه بکاهد و او را با چهره ای که بوی همانند نیست ترسیم کند. ولی تلاش عبثی است. روزبه هم اکنون در دلهای مردم ایران و جهان خانه کرده و این جان پناهی است تصرف ناپذیر. حزب ما به داشتن چنین کسی در صفوف خود میبald و این شعر یکی از دوستان او در حشش کاملاً صادق است:

بزند گمی، تو بحزب افتخار میکردی
کنون بنام تو حزب تو افتخار کند

۱. سپهر

یعنی هم دانشجوی است و هم عضوی از جامعه. از این خصلت دوگانه دو نوع حق هم برای دانشجوی و هم برای سازمان دانشجویان حاصل میشود، بدینمعنی که دانشجوی هم حق دارد فعالیت صنفی و دانشجویی بپردازد و هم به فعالیت سیاسی و حزبی. سازمان دانشجویان نیز حق دارد که فعالیت صنفی و سیاسی بپردازد. تلفیق این دو مبارزه وظیفه اصلی سازمان دانشجویان است. ولی همانطور که محدود کردن سازمان مبارزه صنفی نادرست و ارتجاعی است، تبدیل سازمان دانشجویان به یک سازمان سیاسی و حزبی نیز نادرست و زیان بخش است و با ماهیت و خصلت سازمان دانشجویی ماینت دارد.

تعیین نوع شعارهای صنفی و سیاسی مسئله ای ذهنی نیست، بلکه بتحلیل علمی وضع مشخص جنبش، سنت و درجه تکامل جنبش، سطح آگاهی توده دانشجوی و واقع بینانه بودن شعارها بستگی دارد. گذشته از این در هر لحظه و در هر مرحله ای از مبارزه یک اصل کلی را همیشه باید در نظر داشت و آن اینکه شعارها و هدفها — چه صنفی و چه سیاسی — باید به تحریک، تشکل و جلب هر چه بیشتر توده دانشجوی و به تحکیم اتحاد آنها در مبارزه کمک کند. هر شعار و هدفی که به تحقق این اصل کمک نکند حد اقل نادرست و زیان بخش است و حد اکثر ارتجاعی و خرابکارانه.

شایان ذکر است که بسیاری از اوقات مبارزه صنفی در تکامل خود بمبارزه سیاسی مبدل میگردد و مبارزه سیاسی بنوبه خود به تحقق خواستهای صنفی کمک میکند.

مبارزه علنی و مخفی

شکل اصلی مبارزه یک سازمان توده ای علنی است. دلیل آنهم اینست که یک سازمان توده ای که باید توده های هر چه وسیعتری را دربر گیرد و بنا بر این باید بتواند وسیع ترین تماسها و عمیق ترین پیوندها را با توده ها برقرار کند، نمیتواند در شرایط مخفی به این هدف نائل آید. البته این بدان معنی نیست که مبارزه مخفی باید در هر شرایطی

و مطلقاً نفی گردد، چون رژیمهای ارتجاعی از هر فرصتی برای سرکوب سازمانهای توده ای و محروم کردن آنها از امکانات مبارزه علنی استفاده میکنند و سازمانهای توده ای در چنین شرایطی باید بتوانند موجودیت و دوام مبارزه را حفظ کنند و مبارزه را بشکل مخفی ادامه دهند. ولی این وضع اجباری

است و همیشه از طرف رژیمهای ارتجاعی به سازمانهای توده ای دمکراتیک تحمیل میشود. بنابراین سازمانهای توده ای نیز باید ضمن ادامه مبارزه بشکل مخفی یکی از هدفهای اصلی خود را مبارزه برای علنی شدن قرار دهند و رژیمهای ارتجاعی را با مبارزه خود بقبول فعالیت علنی سازمانهای توده ای دمکراتیک و ادار سازند. بدیهی است که فعالیت علنی بهر قیمت مطرح نیست، یعنی یک سازمان توده ای دمکراتیک نباید ماهیت مترقی خود را فدای علنی شدن بنماید. در همانحال سازمان توده ای

دنباله در صفحه ۵

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران بکنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

در افشای ماهیت ضد دموکراتیک رژیم ایران

داد گاههای نظامی دو پایه اساسی دستگاه ترور و تضییق است که توسط آنها رژیم کنونی هر گونه آزادی عقیده و بیان را خفه میکند و بدینسان تمام مطبوعات اپوزیسیون و بویژه مطبوعات سازمان ما خودسرانه ممنوع شده و حتی روزنامه ها و مجلات دارای گرایشهای گوناگون سیاسی که در اروپا و ایالات متحده امریکا چاپ میشوند نمیتوانند بدون خطر توقیف و پیدگرد های غیر قانونی ساواک در ایران پخش گردند. حتی افرادی که چنین مطبوعاتی را از راه پست دریافت داشته و یا دارا میباشدند، در معرض خطر دستگیری قرار میگیرند و با اتهام ساختگی یکسانی تحت عنوان « اقدام علیه سلطنت مشروطه ایران » بداد گاههای نظامی کشانده میشوند.

یک بازرسی سطحی حتی فقط از دادرسی های سیاسی که در سالهای اخیر در این داد گاههای نظامی جریان یافته و نگاهی باحکام صادره توسط این ارگانهای تضییقی چه علیه اعضاء حزب توده ایران و چه علیه افراد دیگری با تمایلات گوناگون ملی، سوسیالیستی، مذهبی و حتی سندیکائی و غیره بنحوی انکار ناپذیر اثبات میکند که موارد جرم و بزه که بتهمین نسبت داده اند بطور کلی جز عقاید آنها و یا عضویت آنها در یک سازمان سیاسی معین چیز دیگری نبوده است. تنها ظرف چهار سال اخیر داد گاههای نظامی بیش از ۵۰ حکم اعدام علیه متهمین سیاسی صادر کرده اند که احکام چهل گانه ای از آنها بموقع اجرا گذارده شده است.

قریب ۵۰۰ نفر زندانی سیاسی که به زندان ابد و یا مجازاتهای بسیار سنگین محکوم گردیده اند امروز هنوز در زندانهای مختلف ایران بسر میبرند. علاوه بر این افراد بسیاری که در بین آنها شخصیتهای مذهبی زیادی یافت میشوند بدون هیچ حکم قضائی دستگیر و بزندان افکنده شده اند.

زندانیان سیاسی حتی پس از محکومیت نه فقط میبایستی مورد انواع اهانتهای و خشونتهای پلیس قرار گیرند، بلکه هر گونه حق اعتراض و شکایتی از آنها سلب گردیده و الا آنها را بمناطق بد آب و هوا تبعید میکنند و در آنجا در زندانهای مجزا و جدا از همه جا، در معرض شقاوت آمیز ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار میدهند.

بدینسان است که ظرف دو سال اخیر زندانیان سیاسی بسیاری، منسوب به گرایش های مختلف، از زندان مرکزی تهران به دور افتاده ترین مناطق که از لحاظ بدی آب و هوا بویژه مشهورند، نظیر منطقه خلیج فارس و یا منطقه جنوب خاوری ایران تبعید گردیده اند.

نام برخی از آنان را بازگو میکنیم: پرویز حکمت جو، تبعید به برازجان. علی خاوری تبعید بزاهدان، پیروزی تبعید به خرم

آباد، کاگیسک اواسیان تبعید به کرمان، معتمدی تبعید به بندرعباس (که بجرم عضویت در حزب توده ایران محکوم گردیده اند)، پرویز نیکخواه و منصوری که به ترتیب به بروجرد و سمنان تبعید شده اند (دارای گرایش کمونیستی هوا دار چین) شیخ حسین علی منتظری روحانی مسلمان تبعید به مسجد سلیمان، میرزا علی مشکین روحانی مسلمان تبعید به منطقه نامعلومی بدون هیچ حکمی، هشت نفر دیگر که شش نفر آنها شخصیتهای مذهبی هوادار آیت اله خمینی هستند نیز به نقاط مختلف تبعید شده اند و الا آخر.

بدیهی است در یک چنین شرایطی سخنی هم از آزادی تشکیل مجمع و جمعیتی که حق آن، هم در مواد ۱۸ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم در مواد ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی ایران مؤکداً تصریح گردیده است، نمیتواند در میان باشد.

حکومت دیکتاتوری ایران بوسیله اتخاذ تدابیر پلیسی، با ممنوع ساختن حزب توده ایران و با ممانعت از فعالیت علنی هر سازمان سیاسی (بجز آن سازمانهایی که خود ساخته است) عملاً تحقق این آزادیها را در کشور موقوف کرده است. حکومت ایران باین اکتفا نکرده است که خود سرانه برخلاف قانون و بدون هیچ حکم دادگاهی فرمان انحلال حزب توده ایران را صادر کند بلکه همچنین تمام سازمانهای دموکراتیک توده ای را، نظیر شورای مرکزی کارگران ایران، سازمان دموکراتیک زنان، سازمان دموکراتیک جوانان، اتحادیه دانشجویان و غیره را متوقف ساخته است.

حکومت برای آرایش خود بظاهری دموکراتیک، سازمانهای چندینی را که رهبری آنان مطلقاً تحت نظارت ساواک قرار دارد بعنوان سندیکاهای کارگری مجاز شمرده است. ولی حتی چنین سندیکاها اجازه ندارند از حدود کارگاهی که برایشان تعیین شده یا را برون گذارند و بمقیاس مؤسسه متحد گردند، با کارگران همان رشته صنعتی فدراسیون ایجاد کنند و بمقیاس ملی کنفدراسیون تشکیل دهند. بهترین نمونه این پراکندگی نیروهای کارگری را صنایع بزرگ نفتی ارائه میدهد که در آن کارگران شاغل در یک واحد تولیدی نمیتوانند در سندیکا مجتمع گردند مگر جداگانه درون هر کارگاه و نه بمقیاس واحد تولیدی مورد بحث. از این جهت است که اکنون در ایران نه بمقیاس منطقه ای و نه بمقیاس ملی مراکز سندیکائی برای هیچ شاخه صنعتی وجود ندارد. این نقض علنی مفاد مصرحه در ماده ۲۳ (بند ۴) اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط بحق مسلم هر فرد به تشکیل سندیکاها و شرکت در سازمانی است که میتواند بمیل خود برگزیند.

واضح است که در چنین شرایطی و با

اعمال یک چنین سیاست تضییقی، حکومت ایران نمیتواند، علیرغم دعاووش، به قانونیت تکیه کند و نمیتواند بخود اجازه دهد دادرسی های سیاسی در چارچوب قوانین و موازین قضائی در دادگاههای «مستقل» بطرف، منصف و علنی جریان یابد، چنانکه در ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مشخص و منصف شده اند.

از اینجاست که حکومت لازم دارد تمام دادرسیهای سیاسی در دادگاههای نظامی اختصاصی انجام گیرد که از دادگاه جزائمی ندارند و اعضاء آنها که از بین افسران گوش فرمان و مطیع انتخاب گردیده اند در واقع مجریان اوامر مافوق خویشند نه دادرس.

در حالیکه طبق مواد ۷۲ و ۷۹ قانون اساسی کشور محاکم عدلیه هستند که منحصراً صلاحیت رسیدگی به منازعات سیاسی و امور مربوط به نقض قانون مطبوعاتی را دارا میباشند. طبق مفاد مصرح در قانون اساسی و قانون کفیر ایران دیوان جنائی یگانه مرجع قضائی صلاحیتداری است که باید ضرورتاً با حضور هیئت منصفه بچراغ سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی نماید.

جالب توجه است که در قوانین ایران تأسیس هیئت منصفه تنها برای موارد دادرسی های سیاسی و جرائم مطبوعاتی در نظر گرفته شده است.

ولی خصوصیات دادگاههای نظامی اختصاصی منحصر به عدم صلاحیت و ضد قانونی بودن آنها نیست. مقررات خاصی که طبق قانون کفیر ارتش در تشکیل دادگاه، بازجوئی و بازپرسی و جریان دادرسی اعمال میگردد حقوق متهمین و دفاع را فوق العاده محدود مینماید.

برخی فاکتورهای عمده مربوط به این موضوع را برشمریم:

(۱) احاله بازپرسی و تشکیل پرونده های سیاسی بارگانهای پلیس خفیه (ساواک)، متهمین را نه فقط از روبرو شدن با یک بازپرس دادگستری محروم مینماید بلکه هر گونه تضمین قانونی امنیت شخصی و دفاع، جلوگیری از اعمال نفوذ خودسرانه، غرض و خشونت را نیز از آنها سلب میکند.

در تأیید این واقعیت ما بمنقل قطعات چندینی از نامه یک جوان مهندس بنام حسن عبودیت اکتفا میکنیم. وی در ژانویه ۱۹۶۴ هنگام محاکمه رهبران «نهضت آزادی ایران» دستگیر شد بگناه اینکه نسخ چندینی از گزارشهای تکمیلی یافته پرونده دادرسی را با خود داشت. او در نامه ای خطاب به دادرسان در باره بازپرسی ۴۸ ساعته اینکه توسط دستگاه ساواک از وی بعمل آمده چنین مینویسد.

«من امضاءکننده زیر، حسن عبودیت، وقایع زیرین را بااطلاع شما میرسانم. در نیمه شب ۱۹ ژانویه ۱۹۶۴ (۱۳۴۳) بازجوئی آغاز شد... من عدم اطلاع خود را درباره برخی پرسشهایی که از من شد بیان داشتم. مرا سبلی زدند و با باتون بر روی دستهایم کوبیدند. این عمل هر بار که سئوالی بی جواب میماند تکرار میشد. سرانجام مرا

مجبور کردند که برخیزم و لغت شوم و روی یک اجاق برقی بنشینم. بازپرس اجاق برقی را طوری قراز داد که با آلات تناسلی من تماس گیرد. من بیهوش شدم... بازجوئی ادامه یافت. بازپرس رفت و با یک بطری اسید بازگشت، محتوی آنرا در یک شیشه مدرج ریخت و باتون خود را در شیشه فرو برد. او دستهای مرا به پشتم پیچاند و سپس بطرف بالا کشید. او میخواست بدینترتیب مرا مجبور کند که روی تختخواب دراز بکشم تا بتواند بکمکم همکارانش باتون آغشته به اسید را به من فرو کند. با تمام قوای خود تلاش میکردم. سرانجام لابد خسته شد و از انجام عمل صرف نظر کرد.

من دیگر نمیدانستم چه میگویم و چه مینویسم. سرانجام بازپرس سئوال و جوابهایی را به شخص ثالثی دیکته کرد و مرا بزور مجبور بامضاء آن نمودند...»

(۲) دادرسان نظامی بنا بمیل فرماندهی ارتش تعیین و تعویض میگردند و در برابر او مسئول اعمال قضائی خویشند تا جاییکه مکرر شده است برخی اعضاء دادگاه نظامی خود با اتهام دادن نظرهای مساعد نسبت به متهمین به محکمه کشیده شده اند.

(۳) متهمین در دادگاه نظامی فقط میتوانند دفاع خود را بکلای مدافع نظامی واگذار کنند که نام آنها در فهرستی آمده و یا از بین افسران بازنشسته انتخاب میشوند. این وکلای مدافع نظامی، مانند خود داد رسان نظامی، اکثرأ نسبت به مسائل قضائی بیگانه اند و نیز بمثابه نظامی در اجرای حرفه وکالت دچار محدودیت اند.

بکرات ظرف سالهای اخیر این واقعه رسوا و خشم انگیز دیده شده است که وکلای نظامی مدافع متهمین سیاسی خود مورد پیگرد و مجازات قرار گرفته اند به گناه اینکه از موکلین خود خوب دفاع کرده اند.

بدینسان است که در سال ۱۹۵۸ سرتیب بازنشسته علی اصغر مسعود انصاری، سرهنگ بازنشسته عزیزاله امیر رحیمی، سرهنگ بازنشسته علی اکبر غفاری، سرهنگ بازنشسته دکتر اسمعیل علمیه مورد پیگرد ساواک قرار گرفتند، توقیف شدند و توسط یک دادگاه نظامی در تهران محکوم گردیدند بخاطر اظهاراتی که جن دفاع از موکلین خود (اعضاء گروه ناسیونالیستی نهضت آزادی ایران دارای گرایش صدیقی) در دادگاه نظامی بیان داشته بودند. دادستان نظامی در کفیر خواست خود بویژه از سرتیب مسعود انصاری بازخواست میکند که چرا بهنگام دفاع از موکلین خود چنین گفته است:

«در دموکراسی گداهای اتفاق میافتد که حکومت بعلل مختلف اعتماد اکثریت مردم را در کشور از دست میدهد و بنحو خاصی حکومت میکند... در سال ۱۷۹۳ انقلاب کبیر فرانسه حق قانونی مردم و اکثریت را به انقلاب علیه چنین اقلیتی شناخت... این حق همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر که مورد تصویب اکثریت بزرگ کشورهای

دنباله در صفحه ۴

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران

در افشای ماهیت ضددموکراتیک رژیم ایران

جهان و از جمله ایران قرار گرفته شناخته شده است...»

وسرهنگ امیر رحیمی در کيفرخواست متهم گردیده که در پایان دفاعیات خود چنین گفته است:

«بلی این يك افتخاری است برای ما که باین افراد دموکرات (موکلین خود) گفته ایم: از شما دفاع خواهیم کرد و شما تنها نیستید. خدا نگاهدار شما باشد.»

و اما سرهنگ انصاری متهم گردید که در جریان دفاع این کلمات را بر زبان جاری ساخته بود:

«من با کمال قدرت آنچه که لازم

باشد در دفاع از این آقایان خواهم گفت. من شصت سال از عمر میگذرد و دیگر در سنین جاه طلبی نیستم. آنچه وظیفه وجدانی من حکم میکند خواهم گفت بدون اینکه واهمه ای داشته باشم. من کاری نمیکنم جز دفاع از هموطنان دموکرات خود که با آنها نزدیکی های فکری نیز دارم. این یکی از افتخارات زندگی من است که از آنها دفاع کنم.»

و سرانجام سرهنگ علمه در کيفرخواست مورد بازخواست قرار گرفت برای اینکه گفته بود:

«طبیعی است که دولت جناب آقای علم انتشار یکی از نطق های امام حسین را حمله بخود بداند و با سوء ظن تمام اشخاصی را که کوچکترین مداخله ای در این کار نداشته اند با اتهام اقدام علیه مشروطیت توقيف و زندانی نماید. خدا تمام مستبدین گذشته را بامرزد زیرا تا آنجا که من میدانم هیچیک از آنها کتاب کلبه و دمنه را که در قالب افسانه از زبان جانوران شاهان را مورد انتقاد قرار داده توقيف نکرده اند.»

این فاکتها ما را از هر گونه تفسیری بی نیاز میسازند زیرا خود بقدر کافی برای نشان دادن اینکه با چه شدتی بحق دفاع در دادگاههای اختصاصی دستبرد زده میشود گواهستند و نیز برای اثبات اینکه این دادگاه ها واقعا دستگاههای خودکار صدور احکام محکومیت و آلت بی جان و کوری دردست يك رژیم ضددموکراتیک و غیر انسانی میباشند.

۴) دادگاههای نظامی بطور کلی در بسته و جریان آنها پنهان از مردم، کاملاً سری و بدون حضور نمایندگان مطبوعات انجام میگردد.

۵) متهمین سیاسی در دادگاههای نظامی از حضور هیئت منصفه محرومند در حالیکه این حق بویژه در ماده ۷۹ متمم قانون اساسی ایران تصریح شده است.

۶) حق درخواست فرجام علیه احکام دادگاههای نظامی طبق قانون کيفر ارتش از متهمین سلب شده است مگر با اجازه شخص شاه. و این اجازه هیچگاه داده نشده است. زیرا میتواند تمام این سیستم غیرقانونی

را که بر پایه ساواک و دادگاههای نظامی ساخته شده فروریزد.

علاوه بر این دستبرد های علنی باصول مصرحه در ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، دستبردهای دیگری نیز در جریان هر دادرسی جدا گانه ای واقع میشود که بیش از پیش خصلت کاملاً خودسرانه این خیمه شب بازی قضائی را برملا مسازد.

حقوقدانان خارجی نادریکه در چندسال اخیر توانسته اند اجازه حضور در این دادگاهها تحصیل کنند متفق القولند که جریان دادرسی در این دادگاهها کاملاً صوری بوده در احکام صادره نسبت بمسائل و منطق حقوقی و قضائی بی اعتنائی شده است.

در اینجا بما اجازه داده شود که در تأیید صحت این دعاوی برخی نتیجه گیریهای آقای «ژول شومه» رئیس شعبه بلژیکی انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات و وکیل دادگستری بروکسل را که در ژوئن ۱۹۶۶ با کسب اجازه ویژه بعنوان ناظر از جانب انجمن حقوقدانان دموکرات و جمعیت بلژیکی دفاع از حقوق بشر در محاکمه حکمت جو و خاوری و شش عضو دیگر حزب توده در دادگاه تجدید نظر نظامی تهران حضور یافته بازگو کنیم. آقای «ژول شومه» در گزارش خود مینویسد: «متهمین و وکلای مدافع آنها باستناد ماده ۷۹ قانون اساسی ایران بر آن بودند که دادگاه نظامی ذیصلاحیت نیست زیرا رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید با حضور وزیر نظر هیئت منصفه انجام گیرد.

دادستانی عقیده داشت که قانون ۱۹۵۷ در باره سازمان امنیت، رسیدگی بتمام جرائم علیه امنیت دولت را بداد گاههای دائمی نظامی واگذار کرده است و از آنزمان این دادگاهها که دارای قوانین ویژه خود هستند میتوانند بدون حضور و نظارت هیئت منصفه عمل کنند. دادگاه قرار صادر کرد و خود را دارای صلاحیت دانست. یادآور شویم که تقاضای فرجام علیه این قرار که يك مسئله حاد حقوقی و قضائی مربوط است ممکن نیست مگر با اجازه شخص شاه.

جریان ظاهراً عادی محکمه بنوشته آقای «شومه» تعجب را نسبت به رأی نهائی دادگاه بیشتر بر می انگیزد. دشوار است که انسان در پایان آن حق را بجانب کسانی نهد که بمن گفتند این فقط يك دادرسی است و تصمیمات در خارج از صحنه دادگاه و مدتها قبل از آغاز رسیدگی دعوی در محکمه اتخاذ گردیده است.

در واقع نیز هیئت دادرسان پس از يك شور سه ساعته، قراری در بیش از ۲۰ صفحه به قطع وزیری صادر کرد که صاف و ساده تمامی حکم دادگاه نظامی بدوی را تأیید میکرد. در حالیکه روشن بود که غیر از اتهامات عضویت حزب توده و گنر غیرقانونی

از مرز و فرار برای حکمت جو (که ضمناً باید گفت از جانب دو محکوم باعدام انکار نشده بود) یعنی اتهاماتیکه میتوانست مستوجب مجازاتهای در زمینه محرومیت از آزادی گردد، دادستانی نه فقط هیچ مدرکی بنفع دعاوی خود در کيفرخواست نیاورده بود بلکه خود پرونده اثبات میکرد که متهمین هیچیک از جرائم ادعائی را مرتکب نشده بودند. تنها «مدرکی» که ارائه شده بود گزارشی بود «بامضاء» دو متهم و چهار نفر ناشناس دیگر که نزد خاوری هنگامیکه میخواسته است از مرز شوروی بقصد رساندن خود بألمان خاوری بگنرزد پیدا کرده بودند.

این گزارش که خطاب به دکتور زادمش دبیر کل حزب توده که در مهاجرت بسر میرود تهیه شده بود وضع داخلی ایران را تشریح میکند، امکانات عمل حزب توده را در شرایط کنونی بررسی مینماید و نتیجه میگیرد که امکان عمل علنی و قانونی حزب وجود ندارد و باید دست به عمل خشن زد، گروههای دهقانی مسلح بوجود آورده و الا آخر ولی گزارش، پس از پیشنهاد این نتایج، اجرای آنرا موکداً مقید بدو شرط میکند. در گزارش گفته میشود: «در هر حال اگر رهبری حزب در این باره تصمیم اتخاذ کند و امکانات مالی در اختیار سازمان بگذارند... اما واضح است که هنگام دستگیر شدن، دو متهم نامبرده که نه موافقت حزب و نه وسائل مالی دریافت داشته بودند. هیچ گروه ضربه ای سازمان نداده بودند، هیچ سلاحی فراهم نساخته بودند، هیچ عملی انجام نداده بودند.

بدیهی است حتی يك نمونه نمیتوان ارائه داد که کسی را بدلیل فرموله کردن نظری که بهچوجه آنرا نیز بموقع اجرا نگذاشته محکوم باعدام کنند... بنابراین حکم اعدامیکه علیه این دو متهم صادر گردیده ابتدا قابل توجیه نیست « بهمین ترتیب است دومین حکم اعدامی که علیه حکمت جو بااتهام اقدام به تضعیف روحیه ارتش صادر کرده اند. واضح است که حکمت جو، ستوان سابق نیروی هوائی ایران که ۱۵ سال پیش فرار کرده بود از آن زمان بعد هیچ افسر یا سربازی را ملاقات نکرده بود و لذا دعوی کاملاً پوچی است که نتوانسته باشد روحیه ارتش را تضعیف کند. این اتهام درباره خود عمل فرار هم نمیتوانست وارد باشد. زیرا در سال ۱۹۵۵ غایباً بهمین گناه بدسهال زندان محکوم گردیده بود. و او نسبت باین حکم پس از دستگیری اعتراض نمود و دادگاه نیز مجازات ویرا از این بابت از ۱۰ سال به ۴ سال تخفیف داد. قابل تصور نیست که بتوان تنها بخاطر اعتراض او مجازاتش را تشدید کرد و او را برای فراریکه ۱۱ سال پیش بگناه آن بدسهال زندان محکوم ساختند امروز محکوم باعدام نمایند.

سرانجام آیا میتوان از زره جاسوسی که دادگاه آنرا محکوم ساخت سخنی بمیان آورد؟ بنظر ما در تمام جهان يك حقوقدان

وقاضی وجود ندارد که اقدام بدادن گزارش را نه يك دولت خارجی و حتی نه يك بیگانه بلکه فقط يك هم میهن مهاجر خود، آنهم درباره وضع سیاسی کشور و در چارچوب فعالیت حزبی که نامبرده رهبری آنرا بهعهده دارد، بعنوان اقدام بجاسوسی تلقی کند. يك چنین تلقی از جاسوسی آشکارا فاقد هر گونه محتوی است.»

چند ماه پیش دادگاه نظامی بدوی تهران پس از يك شور کمتر از ۳۰ دقیقه دو نفر کارگر حروف چین چاپخانه، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده را بترتیب به ۶ و ۵ سال زندان، بااتهام عضویت در حزب توده ایران و چاپ اسناد و اوراق حزبی، محکوم ساخت. باین متهمین نه در دادگاه بدوی و نه در تجدید نظر اجازه ندادند دفاعیات خود را بخوانند. دادگاه تجدید نظر پس از قطع قرائت دفاعیات حتی لازم دانست احکام مجازات دادگاه نظامی بدوی را تشدید کند و متهمان را به ترتیب به هفت و شش سال زندان مجرد محکوم نماید.

ماده هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام میدارد که هر کس در برابر هر گونه تجاوز به حقوقی که بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد حق رجوع مؤثر بمحاکم ملی صالحه دارد. ولی در ایران کنونی حکومت مطلق العنان است و هیچ دادگاهی برای رسیدگی باعمال خلاف قانون حکومت وجود ندارد.

در اوضاع و احوال کنونی خوددیوان تمیز هم جرأت اظهار نظر درباره انطباق قوانین باقانون اساسی و درباره اعمال مجازاتی ندارد.

پلیس سیاسی (ساواک) دارای اختیار تام است و از نظارت قضائی و حتی اداری بدور است.

در برابر يك چنین وضعی است که قریب ۱۵ هزار نفر ایرانی از هر گرایش سیاسی و هر عقیده مجبور بجلائی وطن شده و به کشورهای خارجی پناه برده اند.

ولی حکومت ایران پیگرد ها و تضيقات خود را بخارج از مرزها هم گسترش داده است. نه فقط حق بازگشت به کشور را از پناهندگان سیاسی که برخی از آنها برای وقایعی مربوط به ۲۰ سال پیش مورد تعقیب واقع شده اند، سلب نموده است، بلکه با امتناع از دادن گذرنامه با آنان و فرزندانشان میخواهد بزور آنها را از تابعیت ایرانی محروم سازد. اینجاست که به علنی ترین وجهی ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر اگد مال میشود، ماده ای که حق هر فرد را بداشتن تابعیت اعلام میدارد و تصریح میکند که: «احدی را نمیتوان خودسرانه از تابعیت خود... محروم کرد.»

این نوع فشار همچنین بر دانشجویان ایرانی که در دانشگاههای مختلف اروپا و امریکا تحصیل میکنند وارد میشود. دانشجویانی که با نظریات سران رژیم کنونی ایران موافقت ندارند و علیه اعمال ضددموکراتیک حکومت ایران اعتراض میکنند در معرض دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه جلسه کمیسیون...

حزب کمونیست هند، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست کلمبیا، حزب متحده کارگری لهستان، حزب کمونیست لسو، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لوکزامبورگ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب کمونیست مراکش، حزب کمونیست مارتینیک، حزب کمونیست مکزیک، حزب توده انقلابی مغول، حزب کمونیست انگلستان، حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیالیست متحده آلمان، برلن غربی، حزب کمونیست ایتالیا، حزب توده پاناما، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست پرو، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست پرتوریکو، حزب کمونیست سالوادور، حزب کمونیست اسانیا، حزب کار سوس، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست شوروی، حزب کمونیست سوئدان، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست اووروگوئه، حزب کمونیست ونزوئلا و یک حزب برادر دیگر که در شرایط مخفی است. ۱۵ حزب برادر دیگر اعلام کرده اند که در کنفرانس بین المللی شرکت خواهند کرد ولی بعلم مختلف نماینده به جلسه کمیسیون تدارک اعزام نداشته اند. نمایندگان کلیه احزاب برادر در بحث شرکت جستند.

سخنرانان مسائل متعددی در باره مبارزه با امپریالیسم و اتحاد عمل همه احزاب کمونیست و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی ایراد کرده و در این زمینه پیشنهادهایی در باره مسائلی که باید در کنفرانس مطرح گردد ارائه داشتند. کمیسیون تدارک در باره تاریخ گشایش کنفرانس بین المللی موافقت نمود و مقرر داشت که کنفرانس مزبور روز ۲۵ نوامبر امسال در مسکو تشکیل شود کمیسیون تدارک مسئله مضمون طرح اسناد و نیز مسئله اسلوب تنظیم آنها و مسائل دیگری مربوط به امر تدارک کنفرانس را نیز مورد بررسی قرار داد.

کمیسیون تدارک گروه کاری بمنظور تهیه اسناد کنفرانس بین المللی تشکیل داد. هر حزب برادر که مایل باشد میتواند در گروه کار شرکت نماید.

گروه کار نخستین جلسه خود را ۲۸ آوریل تشکیل داد.

کمیسیون تدارک تمام پیشنهادات گروه کار را در جلسه آینده خود که در ماه سپتامبر تشکیل میشود مورد بحث قرار میدهد و کمیسیون تدارک اسناد تهیه شده را به کمیته های مرکزی احزاب کمونیست و کارگری ارسال خواهد داشت.

کمیسیون تدارک از تمام احزاب کمونیست و کارگری که هنوز در تدارک و تهیه کنفرانس بین المللی شرکت نکرده اند دعوت مینماید فعالیت وی که بسود بسط اتحاد عمل

دنباله از صفحه ۴

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران...

انواع تدابیر پلیس برای مرعوب ساختن آنها قرار میگيرند.

ضبط گذرنامه ها، عدم تمديد رواديد ها، و احضار پي در پي آنها به شعبات ساواک از اقدامات پليسي رايج نسبت به آنهاست. ما نخواستيم در باره تجاوزات جاری در کشور خود به اصل اساسی حاکمیت خلق و بیان آزاد اراده وی بوسیله انتخابات عمومی آزاد و ادواری که در بند سوم از ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده سخن بتفصیل گوئیم.

در واقع نیز در کشورهای آزادیهای اساسی بیان و عقیده و اجتماع تا جائی لگد مال شده که فقط بخاطر داشتن عقاید سیاسی و یا اجتماعی ناهمگون با زمامداران سر افراد به باد میروند و یا آنها را مدام العمر و یا سالیان دراز از آزادی محروم میسازند. سخن در باره انتخابات آزاد و دموکراتیک زائد بنظر میرسد.

آقای رئیس - آقایان نمایندگان با این مختصر که به نظر شما رساندیم ما خواستیم ریاکاری سران کشور خود را بشما نشان دهیم و در برابر افکار عمومی جهان این سالوسی را فاش سازیم که آنان از یکسو خود را طرفدار سینه چاک اجرای تام و تمام اصول مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر بقیاس جهانی میدانند و از سوی دیگر در درون کشور ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم را با گستاخی پامال مینمایند.

ضمناً بگوئیم که ما نسبت با اقداماتی که کنفرانس شما میتواند بدنبال این افشاگریها انجام دهد، دلخوش نداشته ایم و در این باره برای خود بنداری نساخته ایم، زیرا تمام شکایاتی که تا اکنون به کمیسیون حقوق بشر سازمان متحده ارسال داشته ایم بلا جواب مانده است. معذالک باز میخواهیم امیدوار باشیم این نامه بتواند کنفرانس بین المللی حقوق بشر را برانگیزد تا برای تحقق واقعی اصول اساسی اعلامیه حقوق بشر و ویژه برای دفاع از این اصول در برابر اعمال ضد بشری حکومتهای مستبد، نظیر حکومت موجود در کشور ما تدابیر مؤثری اتخاذ نماید. فقط در این جهت است که ما برای شما موفقیت کامل در کارتان آرزو مندیم.

جنبش کمونیستی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی است بیبوندند.

کمیسیون تدارک از احزابی که نمیتوانند نماینده خود را برای شرکت در امور تدارکی اعزام دارند تقاضا دارد اسناد و پیشنهاد های کتبی خود را در باره مسائل مربوط به دستور کنفرانس بین المللی برای ما ارسال دارند کارهای کمیسیون تدارک در محیطی برادرانه جریان یافت. تبادل نظر آزاد وجه مشخص این جلسات بود و این خود حاکی از آنست که احزاب کمونیست و کارگری مساعی خود را بمنظور همکاری بین المللی در مبارزه برای هدفهای مشترکشان تشدید میکنند.

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت صدونجاهمین زادروز مارکس

بود، بزرگترین دانشمند عصر ماست و بر اساس همین فضیلت خود، بر اساس عالم واقعی بودن، توانست بیشکام تاریخ معاصر شود. آموزش مارکس امروز بزرگترین و مهمترین محرک روحی و سیاسی جنبش مترقی جهانی است.

در اطراف گزارش اساسی رفیق اولبریش بحث انجام گرفت. از طرف هیئت نمایندگی ما رفیق طبری در نخستین روز اجلاس علمی در بحث شرکت جست و درباره آن بخشی از آموزش مارکس که با تاریخ تکامل اجتماعات شرق باستان و از آنجا به برخی مسائل مشخص تاریخ ایران ارتباط دارد سخن گفت. وی گفت که بررسی دقیق اثره مارکس و استخراج آن احکام کلیدی و راهنما که وی در مورد تشریح مسائل تاریخ جامعه باستانی شرق و از آنجمله ایران گفته است یک وظیفه مهم مارکسیستهای ایران است. ناطق درباره آشنائی مردم ایران با نام مارکس و آثار او سخن گفت و از ترجمه شدن پیکرشته آثار مارکس طی پنجاه سال اخیر (از مانیفست گرفته تا سرمایه) اطلاعاتی داد. وی در پایان سخن خود ابراز شادمانی کرد که صد و پنجاهمین زادروز مارکس در میهن واقعی او آلمان دمکراتیک در جائی که اندیشه وی پیروز شده است برگزار میشود و اظهار اطمینان کرد که آینده شاهد پیروزی نهائی این اندیشه نه تنها در سراسر آلمان بلکه در سراسر جهان خواهد بود.

روز شنبه در بنای زیبای «شورای دولت» از طرف رفیق اولبریشت شامی بافتار هیئت های نمایندگی خارجی داده شد. در آنجا رفیق اولبریشت ضمیمه يك سخنرانی ارتجالی و بسیار جالب مسائل مهمی را درباره کیفیت ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دمکراتیک آلمان بیان کشید و خصلت دمکراتیک و علمی این کار را با بیان نمونه های جالبی تشریح کرد.

مجموعه سخنرانی های هیئت نمایندگی خارجی و سخنرانی اصلی رفیق اولبریشت به السنه پنجگانه آلمانی، روسی، فرانسه، انگلیسی، عربی بزودی بچاپ خواهد رسید.

صابر محمدزاده تبعید شد

صابر محمدزاده، کارگر مبارز عضو حزب توده ایران، که سال گذشته با تفاق همزم خود «آصف رزم دیده» دستگیر و مدت ۸ ماه بلا تکلیف زندانی بودند اخیراً بعزت دفاع منطقی و شجاعانه خود در دادگاه نظامی به ترتیب به ۷ و ۱ سال زندان محکوم شدند. طبق خبری که اخیراً بدست ما رسیده رفیق صابر محمدزاده که متن دفاع دلیرانه او را در شماره گذشته ماهنامه مردم منتشر کردیم به زندان رضاییه تبعید شده است. این عکس العمل خشن رژیم نسبت به کارگر مبارزی است که علیرغم فشار به آرمانهای حزب خود وفادار مانده است.

انقلاب اکتبر و ایران

مجموعه سخنرانیهای سه سیمینار علمی حزب توده ایران بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر منتشر شد. بها ۴۰ ریال

دنباله از صفحه ۱

در گذر هفتم فدراسیون اتحادیه های آزاد آلمان

و فرهنگ کی کامیابهای بزرگی بدست آورده اند. با تصویب قانون اساسی جدید مردم بر له صلح و دوستی بین خلقها علیه میلیتاریسم و تلافی جوئی بر له عدالت اجتماعی و دموکراسی علیه هر گونه تبعیض و ستم بر له سوسیالیسم و علیه بهره کشی فرد از فرد رأی دادند.

رفیق جودت نمایندگی از طرف شورای متحده مرکزی در گذر شرکت داشت بنام زحمتکشان ایران بگذرگه تهیت گفت سپس به تشریح وضع ایران پرداخته به نفوذ امپریالیست ها، استثمار شدید زحمتکشان بدست انحصارهای نفتی، وجود عده کثیر بیکاران و عدم آزادیهای دموکراتیک اشاره کرده گفت. دولت ایران نه تنها احزاب ملی و مترقی را غیر قانونی اعلام کرده است بلکه فعالیت اتحادیه های واقعی کارگران و سایر سازمانهای دموکراتیک را ممنوع ساخته است. دولت ایران بمنظور عوام فریبی و برای آنکه خود را طرفدار دموکراسی وانمود کند تحت کنترل مطلق پلیس سازمانهایی بنام سندیکا وجود میآورد.

حتی سندیکاهایی که باین ترتیب تشکیل مینمایند مجاز نیستند بمقیاس کارخانه متشکل و یا بتشکیل اتحادیه های صنعتی و کنفدراسیون تمام اتحادیه ها بمقیاس کشور اقدام کنند» نماینده ایران توضیح داد که رژیم ترور نتوانسته است توده های زحمتکش را از مبارزه برای حقوق حیاتی خود و از بیکار برای دموکراسی و استقلال ملی باز دارد. نماینده ایران بنام زحمتکشان ایران به خلق قهرمان و بتنام که علیه امپریالیسم تجاوز کار امریکا بیکار میکند درود فرستاد.

گذرگه در روز دهم ماه مه پس از تصویب قطعنامه ها و انتخاب ارگانهای رهبری در محیطی سرشار از روح ترقیخواهی، صلح دوستی و انترناسیونالیسم پرولتری خاتمه یافت.

دنباله از صفحه ۲

سازمان دانشجویان...

باید بتواند با حفظ ماهیت مترقی خود آن چنان سیاست و روشی را در پیش گیرد که بتواند از امکانات فعالیت علنی حد اکثر استفاده را بنماید، با توجه باینکه خود این مبارزه پیروسی است که بتدریج تکامل مینماید و قدم بقدم رژیم ارتجاعی مفروض را بعقب نشینی وامیدارد.

مبارزه سازمان های توده ای در این زمینه نه فقط کمک بزرگی به تحقق هدفهای خود این سازمانهاست، بلکه کمک مؤثری به سازمانها و احزاب سیاسی است که بطور کلی تحت فشار شدید تری هستند و در رژیم های ارتجاعی غالباً در حالت مخفی و نیمه مخفی مبارزه میکنند، زیرا فراموش نباید کرد که سازمانهای توده ای حلقه های اصلی پیوند سازمان های سیاسی مترقی باتوده ها هستند.

م. انوشه

از سخنان روزبه

وقتی عقیده بر پایه شرافت و وجدان و میهن پرستی استوار شده باشد چیزی نیست که بسادگی دستخوش حوادث و مرعوب تضییقات محیط گردد. من بعقاید خود احترام میگذارم و از آنها شجاعانه دفاع میکنم.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

ارتش ملی باید بخاطر حفظ حدود و شعور کشور و تأمین سعادت و آسایش و آزادی و مساوات و ناموس و عرض و شرف و حیثیت ملی و شخصی افراد مملکت شمشیر در دست و تفنگ بر دوش گیرد.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

«ما جیره خوار ملتیم در حالیکه باسر نیزه خود تجاوزات مثنی دزد و خائن را نسبت، بحقوق و حیات ملت پشتیبانی میکنیم»

ما همانطور که بفرمان احساسات، بحکم غیرت و مردانگی در مورد دستورات و تقاضاهای خلاف شرافت فرمول اطاعت کور کورانه را زیر پا میگذاریم باید به امر وجدان از دستورات و اوامری که بضرر اکثریت فک زده این مملکت و نفع هیئت حاکمه است سرپیچی نمود.

«اطاعت کور کورانه - خسرو روزبه»

ما که امروز در نهایت سختی زندگانی میکنیم، چرا بخاطر یک مشت مظلوم و برای نجات یک اکثریت بزرگ جان خود را فنا نکنیم و لااقل نسلهای آینده را از نعمت آزادی بر خوردار نسازیم.

«اطاعت کور کورانه - خسرو روزبه»

هر وقت با فساد مواجه میشدم اراده ام برای مبارزه با آن محکمتر میشد.

«روزبه در دادگاه نظامی سال ۱۳۲۷»

اگر زنده ماندن مشروط به هتک حیثیت، تن دادن به پستی، گذشتن از آبرو، یا نهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد مرگ صد بار بر آن شرف دارد.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی»

من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه ام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجود توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی»

حزب توده ایران به تصدیق دوست و دشمن بزرگترین، اصولی ترین و مشکل ترین حزب دوران ۵۰ ساله مشروطیت ایران است. بزرگترین صفت میز به این حزب جنبه انقلابی آنست، حزبی است که بر حسب ضرورت

سرود چهارم حزبی

مدتی است سرودیکه متن آن ذیلا چاپ میشود در رادیوی بیک ایران بعنوان سرود چهارم حزبی بخش میگردد. ما متن این سرود را بمناسبت دهمین سال شهادت روزبه و بعلت تجلیلی که از وی در سرود حزبی بعمل آمده است چاپ میکنیم.

«ماهنامه مردم»

- ۱ -

بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی
بر فکن از بی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر باید داد
کشور ایران رهد از بیداد

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فردائی از بی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۲ -

اختر رزم ایرانی تا تابنده است
شیوه روزبه سزای هر رزمنده است
مهر آزادی راه و رسم ماست
یاری مردم جان پناه ماست

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فردائی از بی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۳ -

کار و دانش را بتخت زر بنشانیم
دیو استبداد ز خانه بیرون رانیم
توده زحمت بهره ور نکوست
صاحب اصلی خاک میهن اوست

حزب ما توده را سازد پیروز
میرسد فردائی از بی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته ز بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

(اشعار از احسان طبری)

دو شهید دیگر

در روزهای اردیبهشت ۱۳۳۷ دوتن از اعضاء حزب ما و از یاران رفیق شهید خسرو روزبه نیز تیرباران شدند. این دوتن عبارتند از آرسن اوانیسیان و هوشنگ پور رضوانی.

آرسن اوانیسیان هنگامیکه آماج رگبار سرب گدازان قرار گرفت کارگری بود چهل و دو ساله. وی یک زندگی پر از رنج و تلاش و فداکاری را در پشت سر داشت. از زمان کودکی که در دامان خاندان دهقان فقیری پرورده میشد تا آنزمان که سینه دم اردیبهشت را بدرود میگفت آرسن بتمام معنای کلمه شرنجک تلخ رنجهای زندگی را چشیده بود. از سال ۱۳۲۲ که

وارد صفوف حزب توده ایران شد از هیچ فداکاری از قبول هیچ مأموریت خطرناک سر باز نزد. وی با روحی ساده کودکانه، پر از مهر و آشتی در نبرد بفرنج زندگی و سیاسی شرکت میکرد. تبسم و مزاح او را حتی در آستانه مرگ ترک نگفت. صبح روزی که باید اعدام شود گروهبانی او را با ناراحتی بیدار کرد. آرسن با همان خونسردی و لهجه خودمانی و ریشخند آمیز گفت: «وکیل باشی! چرا دلخوری؟ مردن که اشکالی ندارد، برو نون و چائی مرا بپار!» و هنگامیکه میبرد این جملات سرشار از روح و ایمان بر لبان او گذشت: «من کارگری هستم که جز دو بازوی خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادت مندم که در راه مردم با همین سرمایه شرافتمندانه بگور میروم.»

هوشنگ پور رضوانی هنگامیکه در کنار دوست کارگش آرسن اوانیسیان شهید میشد در بهار جوانی بود. با چهره زیبا و متبسم، قامت موزون و حرکات آرام، با کت و شلوار سورمه ای و پیراهن سفید در کنار چوبه اعدام ایستاد. درست با همان زیبایی و سادگی و آرامش که در میتینگها و نمایشها در صفوف نخستین می ایستاد. وقتی به افق شیری رنگ مینگریست گویی تمام زندگی جوان و پرشورش را که مانند گل زنبق سفید، پاک و درخشان بود در آن میدید: یک زندگی کوتاه ولی خالی از ترس، سرشار از تهور، سرشار از مبارزه بخاطر حزب، طبقه کارگر، مردم. وی در آخرین لحظه فریاد زد «زنده باد حزب توده...». یکی از گلوله ها قلبش را از طیش انداخت و کلمه «ایران» را روی لبش منجمد کرد. اودیگر افق را نمیدید ولی در آخرین لحظه هستی و شعور اطمینان داشت که از همین افق خورشید درخشانی برای مردم ستمدیده ایران سرانجام طلوع خواهد کرد.

آرسن اوانیسیان از صفوف کارگران ایران و هوشنگ پور رضوانی از صفوف روشنفکران جوان، در راه آرمان خلق برای همیشه از میان ما رفتند ولی خاطره قهرمان پرور آنها امروز، فردا و تا دیرگاه باقی و پایدار خواهد بود.

اعلامیه انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات

در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۶۸ انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات در مورد تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران اعلامیه ای داده است که در آن از جمله چنین میخوانیم:

«انجمن ما که در موارد متعددی ناظران قضائی خود را برای شرکت در دادرسیهای سیاسی به ایران فرستاده بر آنست که آزادیهای اساسی هنوز در این کشور مورد تجاوزات گوناگون قرار میگردد، زندانهای سیاسی در مناطق بد آب و هوا مجبوسند، آزادی عقیده و بیان مورد احترام نیست و اشخاص فراوانی بعلم معتقدات خود تحت تعقیب و فشار قراردارند. انجمن اظهار امید می کند که در این موقع تاریخی تشکیل جلسه در تهران زندانیان سیاسی آزاد گردند و حقوق بشری مصرح در اعلامیه تضمین گردد. انجمن در همین زمینه به مقامات ایرانی مراجعه کرده است.»

حقوق بشر در ایران، فقدان آزادی بیان، آزادی قلم و اجتماعات، آزادی عقیده، فقدان سازمانهای دموکراتیک و ملی، وجود شکنجه، محاکمات نظامی و اعدام زندانیان سیاسی اشاره نموده و از دبیر کل سازمان خواستار شده اند برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره هنگام توقف خود در تهران بازندانین سیاسی تماس بگیرد. بعلت تراکم مطلب متن کامل این نامه در شماره آینده ماهنامه منتشر خواهیم کرد.

تاریخی بوجود آمده، بر مبنای اصول علمی تشکیل شده و دارای تئوری و جهان بینی علمی است.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی»

اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آنرا بر سایر رژیمها احساس کرده ام.

«روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی»

من به عقاید بای بندم. نظرات سیاسی ام را مقدس میشمارم به عهد و سوگند خود وفادارم و به امضائی که در زیر آنکت حزب توده ایران کرده ام احترام میگذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت یا دفع خطر پیمان خود رانمی شکتم.

«خسرو روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی»

نامه زندانیان سیاسی

بدبیر کل سازمان ملل متحد

بمناسبت تشکیل کنفرانس حقوق بشر در تهران زندانیان سیاسی قصر، از طرف خود و بنمایندهای از جانب زندانیان سیاسی ایران نامه ای به «اوقات»، دبیر کل سازمان ملل متحد و نمایندگان کنفرانس حقوق بشر ارسال داشتند. در این نامه بموارد تقاض اعلامیه